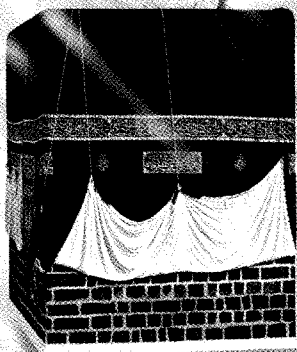
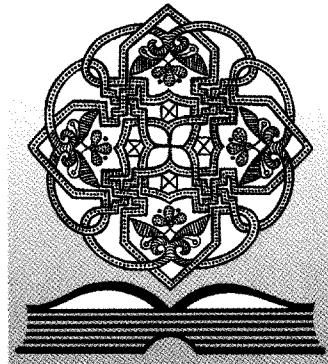


نقد و معرفی کتاب





نیم نگاهی به «شرح فرازهایی از دعای عرفه»

سید جواد حسینی

مطالب این نوشتار، برگرفته از اثری است تحت عنوان: «شرح گزیده‌ای از دعای عرفه» از عارف نامور، حضرت آیت‌الله جوادی آملی، که اکنون مراحل تحقیق را، جهت تکمیل و انتشار، طی می‌کند تا به فضل الهی از سوی مؤسسه تحقیقاتی اسراء منتشر شود و تشنگان معارف زلال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را سیراب نماید.

به مناسبت سال عزت و افتخار حسینی، بر این اثر ارزشمند مرور نموده و بخشهایی از آن را برای شما خوانندگان، به ویژه روحانیان و شیفتگان معارف حسینی برگزیدیم.

امید آن‌که توفیق شرح و تبیین فرازهای باقیمانده این دعای شریف نصیب استاد محترم گردد.

بدیهی است احاطه استاد محترم به تفسیر قرآن کریم و مبانی حکمتی و عرفانی، این شرح را امتیاز خاصی بخشیده و درک مضامین بلند کلمات امام حسین علیه‌السلام را در پیشگاه با عظمت الهی، که بدون آشنایی با مبانی یاد شده امکان‌پذیر نیست، بر علاقمندان مقدور ساخته است.
اکنون چکیده‌ای از چند فراز این شرح:

چند نکته مقدماتی

دعای عرفه سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام یکی از دعا‌های مأثوری است که از مضامین بلند و معارف عمیق برخوردار است. شرح تفصیلی همه فقره‌های

آن، به چندین جلد کتاب نیازمند است.

قبل از شرح دعا، در این اثر، نکاتی به عنوان مقدمه مورد توجه قرار گرفته، از آن جمله:

دعا، عبادت و مراتب آن‌ها، طولانی بودن درجات، شیوه‌ای نو در تفسیر متون وحیانی، ائمه علیهم‌السلام مرجع تفسیر معارف، ویژگی‌ها و آثار موجودات زمانی و مکانی، تعلق مشهود به زمان و مکان، اهمیت عرفه در امت‌های گذشته، فضیلت عرفات، مأذون بودن انسان کامل برای دعا، گوناگونی معارف دعای عرفه و انتساب بخش پایانی دعای عرفه به امام حسین علیه‌السلام.

در توضیح نکته‌ی اخیر آمده است:

«قسمت نخست دعای شریف عرفه را همه نقل کرده‌اند، اما بخش پایانی آن را برخی مانند علامه مجلسی رحمته‌الله نقل نکرده است. از این رو، بعضی احتمال داده‌اند که از امام حسین علیه‌السلام نباشد. لیکن قرائن و شواهدی بر صدور آن از سالار شهیدان گواهی می‌دهد.

در بررسی اسناد روایات، آنچه اصل است و موضوعیت دارد، صدور آن از امام معصوم است؛ یعنی یک حدیث پژوه باید اطمینان یابد که محتوای مورد نظر وی، از معصوم علیه‌السلام صادر شده است. این اطمینان گاهی از راه وثاقت و اصالت و صداقت راوی به دست می‌آید، گاهی از راه بلندی محتوا و اتقان متن و گاهی نیز از راه شواهد و قرائن منفصل و متصل. از این رو، بررسی سندی احادیث از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که راهی برای حصول این اطمینان است و به اصطلاح موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد».

سپس در ادامه چند شاهد و قرینه ذکر شده و آمده است:

۱- سید بن طاووس رحمته‌الله که از بزرگان امامیه است، آن را در کتاب قیّم اقبال الأعمال نقل کرده و در نقل او هیچ خدشه‌ای نیست. گرچه بر اثر شهود نسیان برخی از نسخه‌نویسان در برخی نسخ دست نویس اقبال، ذیل دعای عرفه نیامده، لیکن استاد بزرگوار مرحوم علامه شعرانی نوشته‌اند: در کتابخانه آستان قدس رضوی به نسخه‌ای قدیمی و معتبر از اقبال الاعمال برخوردم که ذیل دعا در آن آمده است:





۲- محتوای بلند این دعای نورانی نشانهٔ صدور این متن از زبان معصوم علیه السلام است.

۳- بخش آغازین دعای شریف عرفه محتوای عمومی دارد، مسألت کردن از خدا، در میان گذاشتن مشکلات با ذات اقدس الهی، حوائج علمی و عینی را از او خواستن و... اینها در سایر دعاها نیز هست، لیکن سلطان مباحث دعای عرفه و کوهان بلند معارف آن، قسمت‌های پایانی دعاست که شباهت محتوایی با سخنان دیگر امام حسین علیه السلام دارد.

در ذیل یکی دیگر از نکات یاد شده، استاد معظم در تبیین تفاوت اولیای الهی با دیگران، اظهار نموده‌اند:

«اولیای الهی زمانی لب به دعا می‌کشایند و دست نیاز به سوی بی‌نیاز دراز می‌کنند که به تجربهٔ درونی دریابند. برخی مقامات جز با دعا به دست نمی‌آید؛ یعنی با توجه به آگاهی آنان از سرّ قدر و اسباب نزول مقدرات الهی، هنگامی که دانستند سبب دستیابی به آن مقام والا فقط دعاست، دست به دعا بلند می‌کنند، چنان‌که برای امام حسین علیه السلام، مقامی بود که جز با شهادت به آن نمی‌رسید و در حقیقت تنها سبب نیل به آن فیض و فوز عظیم، شهادت بود و چون رسیدن به آن مقامات بلند مطلوب خدای سبحان است، اسباب منحصر آن نیز مطلوب اوست. این همین اذن و امر الهی به شمار می‌رود.»

در یک نکتهٔ دیگر از مباحث مقدماتی، دعای شریف عرفه مانند هر سورهٔ قرآن کریم که آیات فراوانی داشته و مطالب گوناگونی را در بر دارد، حاوی مطالب متنوع شمرده شده است.

ادب دعا

در نخستین فراز شرح دعای عرفه، ضمن اشاره به «استحباب ستودن خداوند به صفات جمال و جلال»، پیش از بیان حاجات خویش یاد آور شده که امام علیه السلام نیز این ادب دعا را مراعات نموده و در این بخش از دعا نکاتی را مطرح فرموده است: همهٔ جهان هستی فعل خداست، حاکم مطلق نظام هستی، ذات اقدس الهی است، حکومت خدا

گاهی به صورت قضا و گاهی به صورت عطا ظهور می‌کند، قدرت الهی نامحدود است و هیچ موجودی توان جلوگیری از قضا و عطای او را ندارد.

شارح محترم با استناد به آیات قرآن کریم، هر یک از نکات چهارگانه فوق در کلام امام را تفسیر نموده است.

در تبیین و تحلیل «مانع نداشتن عطای الهی» آمده است:



«مانع عطای خداوندی یا بیرون از ذات اقدس پروردگار است یا درون او؛ یعنی از ناحیه خود خداست، یا از سوی غیر او. مانع بیرونی با توجه به بیان صحیح قضای الهی فرض صحیحی ندارد؛ یعنی نمی‌توان تصور کرد در نظام هستی که سراسر آن قضا و قدر خداست، چیزی باشد که در برابر عطای او مانع تراشی کند. مانع درونی نیز ندارد؛ زیرا آن، چیزی جز جهل و عجز و بخل نیست. یعنی اگر مشکل دیگران را حل نکردن از آن جهت است که فرد راه حل مشکل را نمی‌داند یا توانایی آن را ندارد یا بخل می‌ورزد، هیچ‌یک از این سه، در باره خدا فرض ندارد؛ زیرا همگی جزو صفات سلبيه آن جمیل مطلق و کامل بی‌همتا است.»

لزوم قدرشناسی و سپاسگزاری

امام حسین علیه السلام در یکی از فرازهای دعای عرفه می‌فرماید:

«لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي [بِي] وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي [رَأْفَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ] لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي...»

استاد این جمله را در حقیقت قدرشناسی از یک نظام الهی و اسلامی شمرده و با استناد به آیات قرآن کریم که از نبوت و رسالت و ولایت و امامت و هدایت و ایمان به عظمت یاد شده، آن‌ها را منت‌های الهی بر بندگان دانسته‌اند. آنگاه با اشاره به فرازی از دعای عرفه امام سجاد علیه السلام که وجود امام عادل و حاکمیت او را مایه احیای آثار دین دانسته «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، ... وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ»، افزوده‌اند:



«آن حضرت نیز مانند امام حسین علیه السلام تولد خود را در دوران حاکمیت اسلام و رخت بر بستن جاهلیت را نعمت مشکور می‌داند؛ زیرا حکومت اسلامی یکی از پاک‌ترین میوه‌های شجره طیبه دین الهی است که مایه حفظ دین و تباه نشدن حق می‌گردد و حاکم دینی مجری احکام اوست. بنابراین، به دنیا آمدن و همچنین زندگی کردن در سایه نظام اسلامی نعمتی است که شکر آن لازم است، چنان که زوال جاهلیت و ظلم که ظهور قهر الهی است، شکر گزاری می‌طلبد. **﴿فَقَطِّعْ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾** امام حسین علیه السلام با اشاره به همین نعمت، شکر می‌کند که در حاکمیت کفر و رواج بت‌پرستی به دنیا نیامد؛ زیرا گر چه با نورانیت غیبی حق را می‌دید، اما توان زنده کردن حق و احیای جامعه بر محور حق را نداشت. حتی اگر زمانی به دنیا می‌آمد که عمرش در عصر معاویه به پایان می‌رسید، باز هم آن توفیق بزرگ نصیبش نمی‌شد. چون معاویه با مکر خویش از پیدایش حماسه جاوید عاشورا می‌توانست جلوگیری کند و حسین بن علی علیه السلام را مانند برادرش مسموم سازد و زمام قدرت را به دست گیرد، اما خامی و ناپختگی خقاری همانند یزید، زمینه ایتار و نثار را برای امام حسین علیه السلام فراهم ساخت تا احیاگر نظام اسلامی باشد.»

ناتوانی ستایش خدا

استاد در شرح این جمله امام حسین علیه السلام: «لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنَّاكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِه شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا»، با تبیین ناتوانی انسان از ستایش خدا و این‌که بهترین راه ستایش خدا اظهار ناتوانی است، چنان‌که توجه به عجز از معرفت، معرفت خداست اظهار داشته‌اند:

«امام حسین علیه السلام در این قسمت از دعا با حقیقت ایمان، با عهد و پیمان قلبی، با توحید خالص، با باطن نادیدنی خود و... شهادت می‌دهد که اگر عمر طولانی به او دهند و او در این مدت با کوشش فراوان شکر یکی از نعمت‌های خدا را بخواهد به جا آورد، هرگز نمی‌تواند؛ زیرا توفیق شکر هر یک از نعمت‌های خدا، نعمت جدید است که نیاز به شکر تازه دارد و این شکر جدید نیز نعمت تازه‌ای است.... و این سلسله تا بی‌نهایت و در حقیقت این نعمت‌های نواز لوازم آن نعمت

اصلی است. بنابراین، شکر یک نعمت با تمام لوازم آن توان فرساست.»

حکیم متأله، آیت الله جوادی آملی در تشریح فراز دیگری از سخنان امام مبنی بر این که «وجود شریک در فرمانروایی خدا موجب می شود در آفرینش به ناسازگاری با وی برخیزد» به تشریح بی همتایی خداوند پرداخته و به تفصیل آیه مبارکه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» را تفسیر کرده و پرسش های پیرامون آن را پاسخ گفته اند.

درخواست بی نیازی از دیگران

استاد در شرح این جمله دعا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي» ضمن بیان غنی مطلق بودن خدا و فقیر مطلق بودن غیر خدا، با استناد به آیات قرآن، انسان ها را در برخورداری از مواهب طبیعت سه گروه شمرده:

۱- فقیری که چیزی ندارد.

۲- گداخویی که مال دارد ولی در اندرون خود گرفتار بخل است و به بیان دیگر مستغنی است؛ یعنی نیازمندی است که با دارایی هایش نیاز خود را می تواند برآورده سازد.

۳- بی نیازی که اساساً به چیزی احتیاج ندارد.

در این میان تنها گروه سوم به اندازه غنای خود، آیت خدای سبحان هستند و مهم همین بی نیازی است نه استغنا؛ زیرا بی نیازی نه زحمتی به دنبال دارد و نه سبب گناه می شود. ولی رسیدن به چیزی و استغنا به وسیله آن غالباً با رنج همراه است و چه بسا مایه عصیان و طغیان می شود.

امام حسین علیه السلام مظهر عزت خدا

در شرح این جمله دعا «يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ وَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» با تشریح عزت خدا، رسول خدا و مؤمنان، در جمع میان عزت خدا و عزت غیر خدا سه راه حل ارائه شده است:

۱- خدای سبحان اولاً و اصالتاً عزیز است و دیگران ثانیاً و تبعاً از عزت



برخوردارند.

بنابراین، احتمال عزت خدا اصلی و به خود او انتساب دارد، اما عزت رسول خدا و مؤمنان برگرفته از انتساب و ارتباط آنان با خداست.

۲- خدای سبحان اولاً و بالذات عزیز است ولی دیگران ثانیاً و بالعرض از عزت

برخوردارند.

در این دو قسم، اسناد عزت به غیر خدا، اسناد الی ما هو له است، لیکن به جهت تبعیت و عرضی.

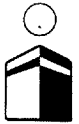
۳- خداوند حقیقتاً عزیز است و دیگران مجازاً عزیزند.

سپس در مقام قضاوت فرموده‌اند:

«مقتضای بینش توحیدی آن است که هر کمالی ویژه ذات اقدس الهی است، از این‌رر عزت نیز مختص اوست و دیگران اصلاً عزتی ندارند، پس اگر بخواهند از عزت یا سایر کمالات بهره‌مند شوند، در سایه خلافت الهی و آیت حق بودن، شدنی است.»

در این قسم اصطلاحاً، اسناد عزت به غیر خدا اسناد الی غیر ما هو له است. سپس افزوده‌اند:

«جمله امام حسین علیه السلام به یکی از سه راه پیش‌گفته تفسیر می‌شود، هر که ولی خداست به یکی از راه‌های سه‌گانه، از عزت برخوردار است و امام حسین علیه السلام از نوادر اولیای الهی و مظهر عزت خداست و دیگران نیز بر اثر ارتباط با او و دیگر معصومان علیهم السلام - این ارتباط به صورت پیروی از خدا ظهور می‌کند - به عزت می‌رسند، اما اگر سرکشی و گناه کنند، نه تنها عزت اصلی و ذاتی و حقیقی ندارند، بلکه از عزت تبعی و عرضی و مجازی نیز بی‌بهره‌اند. از این رو، در مقابل سرفرازی مجازی انبیا و اولیای الهی، جابره و سلاطین ستم پیشه هیچ عزتی، حتی عزت مجازی ندارند. سربلندی ادعایی آن‌ها درونی و غلط و پنداری و برگرفته از گناه است. و بر اثر طغیان و عصیان، خودشان را عزیز می‌پندارند... از این رو، امام حسین علیه السلام عرضه می‌دارد: تنها اولیای خدا بر اثر پیوند با او عزیز می‌شوند، اما سلاطین و عزیزان خیالی که چنین ارتباطی با خداوند ندارند، یوغ نلت بر گردن خویش نهاده‌اند.»



کرامت و بزرگواری در عفو

استاد محقق در شرح این فراز از دعا که امام خدای سبحان را توصیف می‌کند: «وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا»، به تشریح کرامت و بزرگواری خداوند در عفو و بخشش انسان‌ها پرداخته‌اند. چون عفو و گذشت انسان‌ها مراتب مختلفی دارد؛ بعضی پس از مدتی اعتذار و التماس می‌بخشند، برخی در برابر دریافت دیه و جریمه می‌بخشند و... و کریم‌ترین بخشنده‌ها بدون هیچ توقعی می‌بخشند، اما ناخودآگاه نشانه‌های انتقام در گفتار یا کردارشان ظهور می‌کند و در مقابل انسان بخشوده شده، احساس خجالت زدگی می‌کند. و هر چه بخشش بیشتر و کریمانه‌تر باشد، حس شرمندگی انسان بیشتر می‌شود. هیچ‌کری انفعال درونی انسان را که عذاب دردناکی است، نمی‌تواند برطرف کند. خدای سبحان تنها بخشنده‌ای است که نه تنها زشتی‌ها را می‌پوشاند و زیبایی‌ها را آشکار می‌سازد، بلکه بر صفحه نفس و ذهن انسان سلطه دارد و گناه انسان را از یاد او می‌برد و با عفو خویش شرمساری درونی انسان را می‌تواند با فراموشاندن نابود سازد. لذا در بهشت هیچ‌گونه خجالت زدگی نیست.

منشأ ظهور هستی

شارح محترم در تفسیر جملات عارفانه دعای عرفه «أَيُّ يَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ...» به بحث «منشأ ظهور هستی» می‌پردازد و بانفی استقلال در آثار و صفات غیرخدا، ابتدا تفسیری عمومی از کلام امام ارائه می‌کند و در ادامه می‌افزاید:

«برداشت دقیق‌تر و لطیف‌تر آن است که نه تنها ظهور تو کمتر از ظهور دیگران نیست و تو برای آشکار شدن به دیگران نیازمند نیستی و نه تنها ظهور آنان برگرفته از توست و از خود چیزی ندارند، بلکه معنایش این است که هرگونه خودنمایی و ظهوری که دیگران دارند، از آن تو و مال توست و چیز دیگری نیست. در نتیجه این جلوه‌ها پیش از آن‌که دیگران را بنماید، تو را نشان می‌دهد. چگونه از ظهور دیگران تو را می‌توان روشن کرد؟...»

به بیان دیگر، سخن او این نیست که دیگران توان راهنمایی به سوی تو را





ندارند، بلکه سخن او این است که تو از چنان جلوه‌ای برخورداری که به راهنمایی به سوی تو نیازی نیست؛ زیرا اگر بخواهیم وجود یا مفهوم واقعی چیزی را با علم حصولی یا شهودی برهانی کنیم، باید از ظاهر به باطن، از حاضر به غایب و از نزدیک به دور پی ببریم. درحالی که ظهور، حضور و نزدیکی خدای سبحان نه تنها کمتر از ظهور، حضور و نزدیکی دیگران نیست، بلکه برخورداری دیگران از این صفات به برکت افاضه ذات اقدس الهی است؛ چون او این خصال را به صورت نامحدود داراست و اگر چیزی از جهتی نامحدود است، جای خالی نمی‌گذارد تا دیگران آن را پر کنند. در نتیجه هر ظهور، حضور و قربی که در جهان هست، از آن خداست. بنابراین، نمی‌توان تصور کرد که دیگران ظهوری داشته باشند که خدای سبحان از آن برخوردار نباشد.»

سلوک شیفتگان ناب

استاد در شرح فراز دیگری از دعا، که امام از خدای سبحان درخواست می‌کند: «إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْأَلُكَ بِبِي مَسْأَلَةِ أَهْلِ الْجَذْبِ»، سالکان کوی الهی را چهار گروه معرفی می‌کنند:

۱- سالکان مطلق که همواره با استدلال علمی و سلوک عملی، آرام آرام طی طریق می‌کنند. این گروه تا آخر عمر در راهند.

۲- شیفتگان ناب که از آغاز تا پایان با جذبۀ الهی می‌نگرند و پیش می‌روند، نه با استدلال علمی و نه با سلوک عملی.

۳- سالکان مجذوب که ابتدا با استدلال علمی و سلوک عملی پیش می‌روند، ولی در پایان راه لطف خدا آن‌ها را در بر می‌گیرد و بقیه راه را با جذبۀ و کشش راه می‌پیمایند.

۴- مجذوبان سالک که در آغاز جذبۀ ای حرکتشان می‌دهد ولی در میانه راه به حال عادی بر می‌گردند و باقیمانده راه را با استدلال علمی و سلوک عملی می‌پیمایند.

امام حسین علیه السلام در این جمله از خداوند می‌خواهد که سلوک شیفتگان ناب را نصیب او گرداند تا عشق برای او ملکه شود و در پرتو آن تمام کارهایش فقط با جذبۀ الهی انجام گیرد. آنان بندگان مقرب الهی و فرشتگان و انسان‌های کاملند.

فراز و نشیب در دعای عرفه

در پایان این معرفی اجمالی، به دو مطلب مهم دیگر که در شرح این دعا تذکر داده شده، اشاره می‌شود.

نخست آن‌که، انسان کامل چون جلوه‌های مختلف دارد، گاهی در اوج از خدا چیزی می‌طلبد و گاهی در حضيض و فرودستی مطلبی را می‌خواهد، این فراز و نشیب در دعای عرفه نیز مشهود است. امام گاهی خواستار مقام احسان از خداست «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ» و گاهی مسائل جزئی دنیایی می‌طلبد و می‌گوید: «وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ أَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَا رَبِّي وَ أَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي».

استاد در تشریح علت این فراز و فرود در دعا می‌گویند:

«سرّ این فراز و نشیب آن است که خواسته‌های مادی، امور دنیای محض نیست، بلکه در باطن آن‌ها مسائل معنوی و اخروی نیز نهفته است. زیرا ظلم به آن حضرت، شخصی نیست بلکه کسی که به دین مقدس اسلام و شخصیت حقوقی وی که همان امامت است، ستم روا می‌دارد، به آن حضرت جفا می‌کند».

سپس با استناد به آیاتی که وعده حتمی و قطعی الهی را تبیین می‌کند، خواسته امام را وعده‌ضمنی برای یاری دین خدا می‌شمارند که برای رسیدن به آن مقام و تحقق بخشیدن به این وعده از خدا می‌خواهد که قله‌های کمال دنیا و آخرت یعنی شهامت و شجاعت و جهاد فی سبیل الله و شهادت را بهره او سازد «وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى».

ادب ورود به حرم الهی

مطلب دوم آن‌که چون هر مهمانی آداب و شرایطی دارد که مهمان باید آنرا بیاموزد، و طهارت درونی و آمادگی روحی شرط اصلی ورود به میهمانی خداست. از این رو به هر زائر بیت الله دستور داده‌اند که برای انجام مناسک حج و میهمان شدن خدا، نخست از حرم بیرون آید و در صحرای عرفات با زمزمه دعاهای روح‌انگیز و مناجات‌های معرفت‌آمیز روح خود را صفا بخشد تا پاکیزه شود و لیاقت ورود به حرم را



پیدا کند. آنگاه در صحرای مشعر از هر گونه علقه‌ای و علاقه‌ای بریده، به یاد خدا باشد
«... فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...»^۲ سپس در سرزمین منا، نماد ابلیس را با انگیزه
رجم شیطان درون سنگ باران کند و پس از راندن وی، تمام امیال و خواسته‌های درونی
را سربرد و سرانجام با تراشیدن موی سر، تمام جمال و زیبایی را زیر پای محبوب قربانی
کند و آنگاه آهنگ خانه خدا و پرداختن به مناسک حج را پیدا کند.

دعای امام در سرزمین عرفه را نیز بر همین اساس باید ارزیابی کرد:

«همه تضرع و ناله‌های امام حسین علیه السلام در بیرون حرم برای آن است که
شایستگی ورود به حرم و ضیافت الهی به چنگ آید.»

